

## قلعه سرخ

### شهر شاهجهان آباد

از عهد غزنویان تا انقراض دولت تیموریان بامری هند، شبه‌قاره هند را سه قسمت کرده بودند و آنها را سند و هند و دکن می‌نامیدند. شاهزاده خرّم به عنوان فرمانروای هند در سال ۱۰۳۷ هجری در شهر اکره بر تخت سلطنت جلوس کرد و لقب شهاب‌الدین شاهجهان اختیار نمود و اعلام نمود که از این به بعد این شهر به مناسبت لقب پدر بزرگش جلال‌الدین اکبر، «اکبرآباد» نامیده شود.

اگرچه عهد حکومت شاهجهان، نسبت به دوران فرمانروایی پدرش جهانگیر شاه و پدر بزرگش اکبر شاه آرام بود ولی باز هم خطر حملات نظام شاه بهمنی و ججار بُندیله (Jhajhar Bondela) در دکن باقی بود که با آنها در سرتاسر دوران شاهزادگی بر سر پیکار بود. شهر اگرا از مرز راجپوتانه [راجستان فعلی] چندان دور نیست و چون تا آن زمان تمام راجه‌های بزرگ راجپوت مانند راناسانگا مطیع و منقاد تیموریان بامری هند نشده بودند لذا از دیدگاه استراتژی صلاح نبود که پایتخت دولت هند این قدر نزدیک منطقه‌ای باشد که از آنجا خطر حمله از طرف دشمن وجود داشت.

علاوه بر این حمله‌آورانی که قلعه قندهار را گرفته به طرف هند سرازیر می‌شدند تا رسیدن به شهر لاهور در راه آنها چیزی مانع نبود و تا بر این شهر تسلط نمی‌یافتند، آرام نمی‌گرفتند، بنا بر این هم مصلحت نبود که پایتخت دولت، این شهر باشد.

ولی مورخینی که وابسته به دربار شاهجهان بودند نوشته‌اند:

”چون اکبرآباد بر ساحل رود جمنا واقع است و شکست و آب‌کند و نشیب و فراز بسیار دارد بنا بر این باعث ناهمواری آن گشته و همچنین دارالسلطنت

لاهور به علت آنکه یک مرتبه بنا نشده و طرح‌های دلپسند نداشت علاوه بر این "ظاهر دروازه‌های قلعه هر دو جا که دولتسرای سعادت و سایر کارخانجات بیوتات سرکار خاصه در داخل آن سمت وقوع دارد بسیار کم فضا و تنگ ساحت است؛ چنانچه جلوخانه که بی‌نهایت در کار است اساس نیافته و بدین سبب از کثرت آمد و شد مردم افواج پادشاهی و تابینان امرای عظام در اوقات ملازمت و هجوم فیل و اسب بسیار خصوص در عیدها و جشن‌ها به ضعف آزار و اضرار بسیار می‌رسید. سوای این از تنگ میدانی کوی و برزن و بازار و شوارع خاص و عام عموم آینده و رونده بنا بر هجوم خلایق بی‌شمار زحمت و تشویش بسیار می‌یابند".<sup>۱</sup>

لذا فرمان صادر شد که مهندسان چابکدست بین این دو شهر قطعه زمینی دلنشین که: "به خوبی اعتدال آب و هوا متصف و مراتب کمیت و کیفیت محسنات آن از توصیف خرد افزون باشد، بهم رسانیده قلعه والا بنیاد که به حسب هیئت نمونه سبع شداد باشد مشتمل بر عمارات بدیع و نشیمن‌های وسیع به وضع غریب اساس نهند. چون معماران هندسه پرداز و بنایان سحر طراز در ظاهر دارالملک دهلی متصل نورگده (Noor Gadh/Garh) مشرف بر دریای جون ۰۰۰ برای این کار بهم رسانیده به عرض مقدس رسانیدند".<sup>۲</sup>

به شب جمعه نهم ماه محرم سال ۱۰۴۹ قمری / ۳ اردیبهشت کنگ زدند و اساس قلعه سرخ نهاده شد. گویند آب آبادانی است. هر چند برای ساختن قلعه، کنار رود جمنا محلی انتخاب نموده بودند ولی برای به دست آوردن آب گوارا شب و روز استفاده از چرخ آب کشی از رود جمنا امکان پذیر نبود. [اگرچه هنوز در کشور پهناور هند در بعضی جاها این دستگاه را از زمان قدیم به کار می‌برند] برای حل کردن این مشکل نهری از جایی به نام سفیدون کشیدند. تاریخچه این نهر چنین است: ... نهری که سلطان فیروز شاه (تغلق) در ایام سلطنت از پرگنه (ناحیه) خضرآباد تا سفیدون که

۱. عمل صالح الموسوم به شاهجهان‌نامه، چاپ مجلس ترقی ادب، لاهور، ۱۹۷۲ میلادی، ص ۱۸.

۲. همان، ص ۱۹.

شکارگاه مقرری او بود سی گروه<sup>۱</sup> آورده. پس از رحلت او به مرور ایام از جریان باز ماند و در عهد حضرت عرش آشیانی؛ شهاب‌الدین خان صوبه‌دار دهلی نهر مذکور را مرمت نموده جاری ساخته بود. چون روزگار او سپری شد، دیگر به تعمیر و ترمیم آن نپرداخت. حسب‌الحکم اشرف از منبع تا شاهجهان‌آباد بلند و پست آن را هموار و کنارهای آن را متین و استوار ساخته تا سفیدون که سی گروه‌است در ممر قدیم و از آنجا نهری تازه حفر نموده به پای عمارت رسانیدند<sup>۲</sup>. این نهر که به اسم نهر بهشت معروف بود تمام کاخها و باغها و نشیمنها را سیراب نموده داخل بازار چاندنی چوک که تاکنون بزرگترین مرکز تجاری محسوب می‌شود، داخل می‌شد و تمام کاخهای امرا که در هر دو طرف این بازار بود و آثار بعضی از آنها هنوز پا بر جا به حالت شکسته و ریخته مانده‌است؛ گذشته تا به حوض مسجد فتحپوری می‌رسید و از آنجا به رود جمنا ملحق می‌گردید.

این قلعه که از سه جانب آب رود جمنا آن را فراگرفته است مشتمل است بر چهار دروازه و دو دریچه و نقشه کف مثنی بغدادی [مثنی که مساوی الاضلاع نباشد] چون تمام دیوار قلعه از کنگره تا خاکریز از سنگ سرخ بنا شده، بنا بر این به قلعه سرخ معروف است. در داخل قلعه بناها و باغها عبارتند از باغ حیات و فیض بخش و حیات بخش و شاه محل که از آینه کار تزئین یافته، برج طلا و امتیاز محل و خوابگاه جهان‌آرا بیگم که شاهجهان از تمام فرزندانش بیشتر دوست می‌داشت و دیگر خانمهای «حریم حرمت» در یک ردیف ترتیب یافته بود.

آنچه در ایران و سر تا سر خاور میانه به اسم حمام معروف است در هند تاکنون غسلخانه نامیده می‌شود. بیشتر مناطق شبه‌قاره هند گرمسیری هستند و در این منطقه لازم است خانه‌ای جداگانه به نام حمام یا غسلخانه ساخته شود. هندوها معمولاً صبح زود بیدار شده کنار رودخانه رفته آب تنی و آفتاب را نیاش می‌کنند. البته در مساجد نزد در ورودی حمام درست می‌کنند و یا در مغازه‌های آرایشگران اطاقی مخصوص

۱. اندازه‌گیری زمین تقریباً برابر دو میل.

۲. عمل صالح، ص ۲۱ و ۲۲.

برای شست و شوی بدن است که مسلمانان از آنها استفاده می‌کنند. زنهای مسلمان در خانه پرده‌ها کشیده بدن خود را از نجاست پاک می‌کنند. ناگفته نماند بعد از ورود اروپاییها چه در هند و چه در ایران مردم در خانه حمام و همچنین مستراح درست می‌کنند.

علاوه بر این برای هندوها خانه مانند معبدشان مقدّس است. آنها در خانه از کفش، مخصوصاً کفش چرمی اصلاً استفاده نمی‌کنند. چون در حمام چرک بدن را از بین می‌برند و در مستراح خود را از نجاست پاک می‌کنند، لذا هر دو جا کثیف است. مردم تقریباً تا پنجاه سال پیش در شهرها و شهرستان‌ها به جنگل‌های انبوه که خارج از شهر بود می‌رفتند و یا در مستراح عمومی می‌رفتند.

حمام‌ها را ظهیرالدین بابر در هند تاسیس نمود و در پیروی سنتش جانشینانش هر شهری که بنا نمودند در آنجا حمام نیز می‌ساختند. در قلعه سرخ نزدیک تالاری که در حال حاضر به اسم دیوان خاص معروف است حمامی هم وجود دارد که اسمش غسلخانه است که در زیبایی و سبک معماری شبیه حمام‌های اصفهان و حمام باغ شاهزاده که در کرمان واقع است، می‌باشد.

شکی نیست که تیموریان بآب‌های هند در ساختن گنبد، مناره، گلدسته، کاخ، کوشک، طاق و پیش طاق و چهار طاقی از بناهای اصفهان عهد صفوی و مناطق گرمسیری آن کشور و خراسان بزرگ مایه و توشه گرفتند. ولی شرایط جوئی و مصالح ساختمانی باعث شد که در بناهای خود تغییراتی نیز دادند. یکی از آنها ساختن خمهای هلال مانند در داخل طاق‌ها است و در دو طرف طاق‌ها بنا کردن گل جعفری برجسته برای تزیین. میان تیموریان بآب‌های هند، اکبر شاه اولین فرمانروا بود که متوجه این نکته شد که برای حکمرانی در این کشور باید روابط دوستانه و صمیمانه با امیر نشینان این کشور که به اسم راجه معروف بودند، داشته باشد. با روابط زناشویی شاهزاده‌ها با دختران راجه‌ها بعضی آداب و سنن هندوها در خانواده دولتی این پادشاهان وارد شد. هندوها در آن زمان معتقد بودند که دیدن صورت پادشاه صبح زود مبارک است. بنا بر این پادشاهان در دریچه‌ای که جهرکه درشن [دریچه زیارت] نامیده می‌شد، طوری می‌نشستند که اولین شعاع آفتاب صورت آنها را نورانی می‌ساخت و مردم پس از آب

تنی در رود جمنا و نیایش آفتاب صورت پادشاه را پرستش می نمودند. در بنای قلعه سرخ در چندین جا این نوع دریچه‌ها با تزیین خاصی بنا شد.

وقتی که شاهجهان شاهزاده بود، بین وی و نور جهان مادر ناتیش اختلافات شدیدی روی داد و شاهجهان در حالت سرگردانی در مناطق شرقی هند می‌گشت و چون به بنگاله رسید در آنجا آلودگی‌های مردم بنگاله را دید که از کاه و نی درست می‌کردند و پشت بامش به شکل کوهانه شتر می‌ساختند [حالا هم همین طور درست می‌کنند] سقف آن را بنگله نامیدند. این آلودگی‌ها مورد پسند وی واقع شد. چون وی به تخت سلطنت جلوس کرد در لاهور و اکبرآباد و شاهجهان‌آباد پایتخت جدید خود خانه‌ها را به همان شکل بنا کرد.

اگرچه شاهجهان‌آباد پایتخت دولت اعلام شده بود ولی اکبرآباد که حالا مستقرالخلافة نامیده می‌شد، اهمیت و رونق خود را ز دست نداده بود. امرا، اعیان دولت، شاهزاده‌ها و خود پادشاه به وسیله قایق بین شاهجهان‌آباد و اکبرآباد مسافرت می‌نمودند، شروع به ساختن کاخهای خود در پای‌تخت جدید کردند. از میان ساختمان‌هایی که خارج از قلعه سرخ بنا شد که بعضی از آنها در اینجا قابل ذکر هستند عبارتند از کاخ داراشکوه و کتابخانه‌اش.

این کتابخانه کنار رود جمنا بود که ساختمانش تاکنون موجود و در مسیر بزرگترین محل مرده سوزانی هندوان معروف به نگم بُدگات (Nigam Bodh Ghat) واقع است. کاخ دارا شکوه نیز نزدیک کتابخانه‌اش بود که آن را برادرش اورنگ زیب پس از کشتن وی خراب کرد و همچنین کتابخانه به غارت رفت. روی خرابه کاخ دارا شکوه در زمان انگلیسی‌ها تالاری با همان مصالح ساختمانی بنا شد که به اسم رزیدنسی<sup>۱</sup> معروف است.

### باغ جهان آرا بیگم

این دختر را شاه جهان از تمام فرزندانیش بیشتر دوست می‌داشت. وی نه تنها در بازار چاندنی چوک بلکه در سرتاسر قلمرو شاهجهان باغهایش را بنا نهاده بود. ولی ما در

۱. Residency محل اقامت نماینده دولتی در کشور تحت الحمایه.

این جا به ذکر باغی که در بازار نامبرده ساخته بود، بسنده می‌کنیم. این باغ تا زمان فرمانروایی شاه عالم دوم رونق تمام داشت و عایدی که از آن حاصل می‌شد، به خزانه دولتی داخل می‌گردید. پس از انقراض دولت تیموریان هند وقتی که انگلیسی‌ها تسلط یافتند، آنها در آن باغ بنای شهرداری دهلی نهادند. چهار برج که هر یکی از آنها در گوشه این باغ بود و همچنین دیوارش که به اسم باغ دیوار معروف است هنوز پا برجاستند. در کوچه باغ که معمولاً آن را کچه باغ گویند بنای کتابخانه هاردینگ است که حالا اسمش کتابخانه دین دیال گذاشته شده است. پایین‌تر از آن کنار رود جمنا گذرگاه بود که مردم به وسیله قایقها عبور و مرور می‌نمودند. حالا در آنجا ساختمان ایستگاه راه آهن دیده می‌شود.

### مسجد جامع

در یک شهر اسلامی مسجد جامع، قلب شهر است که نه تنها محل عبادت خدا برای مسلمین است بلکه اطرافش بازار بزرگ را تشکیل می‌دهد و مناره‌هایش قافله‌ها را به جانب منزل راه نمایی می‌کند. بیرون قلعه سرخ دو کوهچه دیده می‌شد یکی از آنها بوجهل بهاری (Bhojla Pahari) نامیده می‌شد. اگرچه این کوهچه از تپه‌ای که در مقابل دروازه اکبرآبادی [حالا اسمش دروازه دهلی است] دیده می‌شد، بلندتر است ولی چون نزدیک مسجد کلان [کالی مسجد] که بنا کرده فیروز شاه تغلق است، قرار داشت لذا برای ساختن مسجدی دیگر مناسب نبود. بنا بر این همین تپه که از کوهچه بهاری بوجهل کوچک‌تر است برای ساختن مسجد جدیدی منتخب گردید. اگرچه تمام کتیبه‌ها در دو طرف پیش طاق با سنگ سیاه [سنگ موسی] به زبان فارسی است ولی چون به خط نسخ پرچین کاری شده، در بادی‌النظر چنان می‌رسد که تمام این کتیبه‌ها که در تعداد ده لوح [تابلو] هستند به زبان تازی نوشته شده است. در آخرین سطر کتیبه‌ای که در دست چپ پیشطاق نصب شده است تاریخ بنای این مسجد سال ۱۰۶۰ هجری قمری به چشم می‌خورد.

فتحپوری و اکبرآبادی دو پرستار شاهجهان بودند. هر دو مسجدی برای ثواب در جهان آخرت بنا نمودند. مسجد فتحپوری در انتهای بازار چاندنی چوک رو به روی

دروازه لاهوری قلعه سرخ واقع است. اگرچه هر دو پرستار خاص شاهجهان شاه بودند ولی وسایل مالی [بودجه] به این حد نداشتند که مسجد مجلی مانند مسجد جامع بنا نمایند. مسجد فتحپوری هم مثل مسجد جامع سه گنبد داشت ولی سقف این مسجد چنان محکم نبود که متحمل بار سنگین گنبدها بشود، بنا بر این متولی وقت صلاح در این امر دانست که دو گنبد را که هر دو طرف گنبد وسطی بودند، بردارد و در داخل تالار مسجد آروارها ساخت تا سقفها پایین نیفتند. این آروارها تاکنون پا بر جا هستند.

مسجد اکبرآبادی در مقابل دروازه اکبرآبادی قلعه که حالا به اسم دروازه دهلی معروف است بنا گردید. انگلیسها به این اتهام که ولی الله محدث دهلوی در اینجا علیه آنها توطئه می‌چید آن را مسمار نموده از بیخ کنند. مسجد را خراب کرده روی آن پارکی به نام پارک ادوارد (Edward Park) درست کردند و برای نصب مجسمه این فرمانروای انگلیسی در حالت اسب سواری و ساختن پایه بلند و وسیع از مصالح ساختمانی مسجد مزبور استفاده کردند. چون هند استقلال یافت و مجسمه ادوارد اسب سوار را از آنجا برداشتند و پایه‌ای را که روی آن مجسمه را نصب نموده بودند از بین بردند، مصالح ساختمانی مسجد خراب شده دو مرتبه پیدا شد. آن را از آنجا برداشته نزدیک ساختمان فعلی کالج دهلی ذاکر حسین ریخته تپه‌ای درست کرده اسمش را نهر و هیل (Nehru Hill) گذاشتند. سنگ بزرگی که از مسجد مزبور کنده کنار نهر و هیل ریختند تاکنون در محوطه کالج نامبرده دیده می‌شود. حالا این تپه را هم از بین می‌برند و در آنجا ساختمان چند طبقه‌ای می‌سازند.

حالا مانند سایر شهرهای جهان، جمعیت شهر دهلی نیز از ده میلیون نفر تجاوز کرده و برای وسایل نقلیه نیاز شدید مترو بود، لذا در بیشتر جاها خط راه آهن کشیده ایستگاه‌ها نیز درست کردند و حالا چون نوبت خط راه آهن کشیدن و ساختن ایستگاه برای مسافری نزدیک مسجد جامع رسید، نوبت حفاری بنیاد مسجد اکبرآبادی رسید که مسلمانان این شهر این موضوع را جنبه سیاسی داده بر آنند که مسجد اکبرآبادی بازسازی شود. در حال حاضر این موضوع به دادگستری کشیده شد. ببینیم نتیجه‌اش چه خواهد شد.

در زمان شاهجهان از کابل تا تلنگانه و از گجرات تا اودیسسه تمام مناطق تحت سلطه این فرمانروا بودند، لذا دستگاه دولتی نیز توسعه پیدا کرد. امرای دولت و نمایندگان راجه‌ها و وکلای شاهزاده‌های والا تبار و استانداران و شهزادگان [فرزندان پادشاه از کنیزها] و سلاطین زادگان [فرزندان شهزادگان] بیرون قلعه سرخ خانه‌ها ساختند. چون دولت تیموریان بابتی هند انقراض یافت و انگلیسی‌ها به قدرت رسیدند آنها در خراب کردن هیئت اصلی این شهر دقیقه‌ای فرو گذاشت نکردند و تمام خانه‌هایی که بیرون قلعه سرخ و همچنین خارج از شهر پناه بودند همه را از بین برده و زمین را هموار کرده میدان وسیعی برای رژه ایجاد کردند.

کسانی که استطاعت ندارند برای زیارت بیت الله بروند به زیارت آستانه مقدس حضرت خواجه معین‌الدین چشتی که در شهر اجمیر (Ajmer) واقع است مشرف می‌شوند. زوآر از سرتاسر کشور پهناور هند سوار اتوبوس شده در شهر دهلی جمع می‌شوند تا از اینجا به زیارت عتبات متبرکه حضرت نظام‌الدین اولیا و همچنین حضرت قطب‌الدین بختیار کاکلی مشرف شده به اجمیر روند، نیاز به پارکینگ اتوبوس‌های آنها بود. لذا خانه‌هایی که انگلیسی‌ها خراب کرده در آنجا میدان برای رژه درست کرده بودند، آنها را صاف کرده و بزرگراهی را که نزدیک قلعه نامبرده واقع است وسیع کردند و خاک را از آنجا برداشتند، ستون‌های سنگی شکسته در آنجا پیدا شد.

حالا قرار است که شهر شاهجهان‌آباد را باز سازی نمایند. ولی چه فایده بیشتر کاخ‌های اعیان و اشراف که در سرتاسر شهر بودند به علت ازدحام جمعیت از بین رفته‌اند در آنجا آپارتمان‌های چند طبقه‌ای درست کرده‌اند. این بود تاریخچه شاهجهان‌آباد، زادگاه من و نیاکان من. آنچه دیدم و از دیگران شنیدم روی این برگ‌ها نوشته می‌گذارم شاید برای آیندگان مورد استفاده گردد.